

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»
۰۴ سپتمبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲۱

ترجمه و تفسیر سوره البینه- ۱

سوره البینه:

این سوره در « مدینه » نازل شده و دارای ۸ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱) رَسُولٍ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا
مُطَهَّرَةً (۲) فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳) وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ
الْبَرِيَّةِ (۷) جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عِدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ
لِمَنْ حَسِيَ رَبَّهُ (۸)

معلومات موجز:

نام مشهور این سوره « البینه » می باشد . «بینه» به معنای دلیل روشن است که به واسطه آن حق از باطل آشکار گردد.
این نام از اول آیت این سوره گرفته شده است. این سوره در مدینه منوره نازل شده. اگرچه برخی از مفسرین، بدین
باور اند که این سوره در مکه مکرمه نازل شده است. در حالی که متن سوره گواهی می دهد که نزول آن باید در
مدینه منوره صورت گرفته باشد چون از اهل کتاب بحث می کند و مخصوصاً که اهل کتاب قبل از مشرکین نام می برد.
نزاع با اهل کتاب و بحث مفصل در باره آنان در مکه مکرمه سابقه ندارد، این منازعه در مدینه منوره آغاز شد.
سوره « بینه » به ترتیب جمع آوری نود و هشتمین سوره ای است که بعد از سوره « قدر » و قبل از سوره « زلزله »
در قرآن تنظیم شده است. و به ترتیب نزول نیز « صدمین » سوره ای است که بعد از سوره « طلاق » و قبل از سوره
« حشر » نازل شده است.

طوری که گفته آمدیم این سوره، در مدینه منوره نازل شده از جمله، سوره های خالص «مدنی» است که دارای یک (۱) رکوع، و ۸ آیت می باشد.

هکذا این سوره به نام های «اهل الكتاب»، «قیامت»، «بریه» و «انفکاک» «لم یکن» و «قیمه» نیز مسمی می باشد.

فضیلت سوره بینه:

در مورد فضیلت سوره بینه در حدیثی از لابی بن کعب آمده که پیامبر صلی الله علیه فرموده است: «إن الله أمرني أن أقرأ عليك: لم يكن الذين كفروا؟ قال: «نعم» قال فيكي.» (رسول الله صلی الله علیه وسلم به ابی بن کعب رضی الله عنه گفتند: همانا الله به من دستور داده تا بر تو سوره «لم يكن الذين كفروا» را تلاوت کنم، (ابی بن کعب رضی الله عنه) گفت: و آیا الله نام مرا گرفته است؟ (رسول الله صلی الله علیه وسلم) فرمودند: بله (روای می گوید: (ابی بن کعب رضی الله عنه) شروع به گریه نمود. (این حدیث صحیح را امام مسلم روایت نموده است).

محتوا سوره:

این سوره اشاره به رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه وسلم دارد، و با دلایل روشن این رسالت بیان گردیده است. - روی گردانی عده ای از پیامبر به خاطر دلایل مادی؛

هکذا نقطه عالی که در این سوره بدان اشاره شده همان است که سلسله دعوت همه پیامبران الهی را یک اصل تشکیل می دهد که همان توحید و یگانگی است. هکذا در این سوره در باره موضعگیری های گوناگون اهل کتاب و مشرکان در برابر اسلام بحث شده است.

در بخش دیگری از این سوره موضعگیری های مختلف اهل کتاب و مشرکان را در برابر اسلام مشخص می کند که آن گروهی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند بهترین مخلوقاتند، و آن گروهی که راه کفر و شرک و گناه را در پیش گرفتند بدترین مخلوقات محسوب می شوند.

- دعوت به ایمان، نماز، روزه؛

«اهل کتاب»: اصطلاح «اهل کتاب» سیویک بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است و در بسیاری از این آیات اصطلاح اهل کتاب در مقابل «مشرکان» قرار گرفته است. که این خود نشانه مغایرت مفهوم آن دو است. قرآن عظیم الشان در بسیاری از احکام آن دو گروه را از هم جدا معرفی داشته است، به طور مثال در (آیت ۲۷ سوره توبه) می خوانیم: «فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و احصوهم و اعدوا لهم كل مرصد فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزكاه فخلوا سبيلهم ان الله غفور رحيم.» (آیت ۵ سوره توبه) (مشرکان را هر جا ببابید به قتل رسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و از هر سو در کمین آنها باشید چنانچه از شرک توبه کرده، نماز بر پا داشتند و زکات دادند پس از آنها دست بردارید (و توبه آنان بپذیرید) که خدا آمرزنده و مهربان است.)

قرآن عظیم الشان به بیان حکم به خصوص اهل کتاب می پردازد و تا زمانی که تسلیم شوند و حاضر به پرداخت جزیه گردند، کشتار آنان را جایز می داند و در صورت تسلیم و پرداخت جزیه به ایشان امان می دهد: «قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر و لا يحرمون ما حرم الله و رسوله و لا يدينون دين الحق من الذين اتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد و هم صاغرون.» (سوره توبه - ۲۹) (ای اهل ایمان) با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است و آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی دانند و به دین حق (آنین اسلام) نمی گروند، کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.)

در جهان علاوه بر اسلام، فقط دو دین آسمانی وجود دارد که به طور مسلم و به اتفاق آرای علمای اسلامی، از جمله اهل کتاب به حساب می آیند که عبارتند از: یهود و مسیحیت. قرآن کریم به اهل کتاب بودن این دو دین اشاره کرده، می فرماید: «ان تقولوا انما انزل الكتاب على طائفتين من قبلنا و ان كنا عن دراستهم لغافلين.» (سوره انعام- ۱۵۶) (قرآن را برای این فرستادیم که تا نگوئید کتاب تورات و انجیل بر دو طائفه یهود و نصاری فرستاده شد و ما از تعلیم درس آن کتاب الهی غافل و بی بهره ماندیم.)

اگر در مجموع آیات قرآنی که در مورد اهل کتاب بیان گردیده است دقت به عمل آریم، با وضاحت تام در خواهیم یافت که قرآن عظیم الشان اهل کتاب را به چهار بخش منقسم نموده است:

بخش اول: آنهایی که با حقیقت اسلام آشنا شدند ولی از پذیرش آن سر باز زدند، این عده از اهل کتاب مورد سرزنش مطلق قرآن قرار گرفته اند، فرق نمی کند که: علت این انکار، در چه نهفته است، می شود خواهشات نفسانی چون قدرت، مال و ... باشد و چه امور غیر خواهشات نفسانی باشد، ولی در همه حال مورد مذمت قرآن اند. **بخش دوم:** اشخاصی از اهل کتاب اند که حقیقت اسلام برای شان نرسیده، ولی با آنهم مورد مذمت قرآن قرار گرفته اند: زیرا این عده اشخاص، اخلاق انسانی را زیر پا نهاده اند، توحید را آگاهانه خدشه دار کرده اند، به دشمنی با اسلام پرداخته اند و پیامبر و مؤمنان را اذیت و آزار کرده اند و حتی این عده اشخاص از جمله افرادی بودند که قبل از اسلام اعمال شان مورد مذمت قرار گرفته اند چون کسانی که کتاب مقدس خود را تحریف کرده اند، پیامبران خود را کشته اند.

بخش سوم: افرادی اند که به حقیقت قرآن پی برده اند، و دین اسلام را قبول کرده اند و پیامبر صلی الله علیه وسلم را پیامبر آسمانی می شمارند، اینها از جمله کسانی اند که به هدایت رسیده اند طوری که در (آیت ۲۰ سوره آل عمران) می فرماید: «فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا» و یا هم در (آیت ۱۱۰ سوره آل عمران)، می فرماید: «وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ».

بخش چهارم: اشخاصی اند که افراد شریف و با اخلاقی هستند، اگر چه با حقیقت اسلام نا آشنا، ولی قرآن آنان را با دیده احترام می نگرند، این عده اشخاص در طول زندگی به احکام انسانی پایبندند، به خدا باور دارند و به اصطلاح زندگیشان خدائی است، آنانی که به معاد و روز قیامت پایبندند. از مجموع این معیاری ها که از قرآن به دست می آید می توان در مورد اهل کتاب امروزی نیز حکم کرد و بر این باور بود که کدام یک شایسته احترام و کدام یک قابل مذمت هستند. خواننده محترم!

- قبل از همه می خواهم خدمت شما به عرض رسانم که در این هیچ جای شک نیست که: اسلام ناسخ ادیان گذشته است و این ناسخیت از عقاید اصلی مسلمانان بوده و با ادله صریح، اثبات شده است و اگر در بعضی آیات از اهل کتاب تمجیدی به عمل آمده و آنها را مورد لطف قرار داده، نشان از برتری دین آنها بر اسلام نیست، بلکه این لطف به حسب علت های است که منافاتی با حقانیت و ناسخیت اسلام ندارد.

- در دین اسلام، نگاه به پیروان اهل کتاب با مشرکان کاملاً متفاوت است و هر یک با ادبیات خاص به خودش مورد استفاده قرار گرفته و هیچ وقت تمام اهل کتاب همسان با مشرکان قرار نگرفته اند. البته تنها بعضی از اهل کتاب به جهت اعمال و عقاید غیر انسانی، هم ردیف با مشرکان قرار گرفته اند.

- بسیاری از آیات قرآن که در آنها اسم یهودیان، مسیحیان و صابییان آمده است، انصراف به آنانی دارد که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم می زیستند. لذا حکم آن آیات، برای همه اهل کتاب در تمام زمان ها نیست بلکه باید در ادله

ای که آورده شده دقت شود و براساس آن ادله حکم کرد که آیا اهل کتاب امروزی تماماً کافر هستند یا خیر و براساس قرآن چه برخوردی باید با آنها داشت.

بیشتر اهل کتاب زمان پیامبر که با پیامبر مواجهه داشته اند این گونه بوده اند. حال برای بررسی نگاه عام قرآن به اهل کتاب باید به تمام آیات قرآنی و ادله ای که در آن ذکر شده، توجه کرد و براساس آنها حکم کرد. - قرآن کریم در موارد بسیاری به امور مشترک بین مسلمانان و اهل کتاب، دعوت کرده است به طور مثال می فرماید: « وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَاهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ » (آل عمران، ۶۴) «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ» (سوره عنکبوت، ۴۶) و به آنها پیشنهاد می کند به این امور توجه کنند. بازخوانی این عقاید برای اهل کتاب، یکی از مهمترین عوامل شکل گیری رابطه ای درست و منسجم میان مسلمانان و اهل کتاب است و به نوعی همسخی با غیر مسلمانان را إشاعه می کند.

اسباب نزول :

در مورد این که اسباب نزول (شان نزول) سوره بینه چه است ، سبب معینی در مورد گفته نشده است ، اما درکل این سوره ، به سرزنش اهل کتاب (یعنی یهود و نصاری) بحث به عمل آورده و جملات «هُمُ شَرُّ الْبَرِيَّةِ» و «هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» نیز به بیان کسانی که کفر ورزیدند و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند می پردازد، خصوصاً که از کلمه «الذین» و «أُولَئِكَ» و ضمیر «هُمُ» که ضمائر جمع می باشد، به وضحات معلوم می گردد که مخاطب آن شخص واحد و معین نه، بلکه تعداد کثیری آند.

ترجمه و تفسیر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱)

اهل کتاب و مشرکان کافر ، از کفر شان هرگز نیستند جدا شونده، تا آن که بیائید به آنان همان هویدا کننده . در آغاز سوره « حال » به وضع اهل کتاب (یهود و نصاری) و مشرکان عرب قبل از ظهور اسلام را بیان می دارد ، چه آنانی که « اهل کتاب » و مدعی پیروی خاص و ایمان به کتاب خاصی اند و چه آنانی که به کتاب و پیامبران ایمان ندارند و مشرک اند و از کفر خویش باز نمایند . در این آیت بیان می دارد که : (کافران از اهل کتاب و مشرکان می گفتند:) دست از آئین خود بر نمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید»

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (۲) (فرستاده ای از جانب الله که (بر آنان) صحیفه های پاک را تلاوت کند . پیامبر از جانب پروردگار برای شان فرستاده شود و (بیاید) که صحیفه های پاکی را (بر آنها) بخواند» مطهر از شرک و دروغ و دخالت شیاطین جن و انس .

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (۳) در آن نوشته ها و احکام استوار و سنجیده . یعنی: در آن صحیفه ها آیات و احکامی است که به حق و عدل گویاست.

« قییمه»: یعنی درست، راست، محکم و استوار که در آنها هیچ کجی و انحرافی از حق وجود ندارد بلکه هر چه که در آنها هست، صواب و رهنمونی و هدایت و حکمت است. ولی با آنها هنگامی که آمد ایمان نیاوردند مانند اهل کتاب !

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴) وآنانی که کتاب به آنان داده شده ، متفرق نشدند ، مگر بعد از آنکه آمد به آنان همان هویدا کننده . یعنی: آنها پس از روشن شدن حق و آشکار شدن راه صواب (یعنی بعد از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم) در کار دین حق، تفرقه و اختلاف پیشه کردند و برخی به ایشان ایمان آورده و برخی هم به ایشان کفر ورزیدند در حالی که تکلیف آنها این بود که در پیروی از دین خدا و پیروی از پیامبرش (که تصدیق کننده کتابهایشان نیز هست) بر راه و روش واحدی قرار داشته باشند. ولی زمانی که پیامبر ظهور کرد و کتاب آسمانی نازل شد به یک بارگی تغییر موقف ورأی کردند ، و به اختلاف در دین الله پرداختند .

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَدَلِكِ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵) «و فرمان نیافته بودند» با این دین و این قرآن «جز این که الله را بپرستند در حالی که دین را برای او خالص گردانیده و حنفاء باشند» یعنی: قرآن را بدین منظور نازل کردیم تا آنان به عبادت و پرستش ما گردن نهند، عبادتشان برای ما از هر شرک و شائبه‌ای خالص باشد، با ما چیزی را شریک نیاورده و خویشتن را در دین و عبادت برای ما خالص گردانند و از همه ادیان بریده و فقط به دین اسلام مایل باشند. و این است معنی حنیف. «و» فرمان نیافته بودند با این دین و قرآن «جز این که نماز برپا دارند و زکات بپردازند» یعنی: فرمان یافته بودند که نمازها را بر وجهی اقامه کنند که خداوند از آنها خواسته است؛ در اوقات آنها و با رعایت آداب و ارکان آنها و نیز فرمان یافته بودند که زکات را در موقع آن بپردازند. «و این است دین قییم» یعنی: این دین که پیام‌آور اخلاص در عبادت برای خداوند، ترک همه معبودات غیر از وی، ادای نمازها در اوقات آن و پرداخت زکات برای بندگان نیازمند خدا است، تنها دین استوار و پایدار الهی می‌باشد.

ادامه دارد